

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

### سیمای زردشت، مانی و مزدک در متون نظم فارسی تا پایان قرن ششم هجری قمری

استاد راهنما:

دکتر سید مرتضی هاشمی

استاد مشاور:

دکتر محسن محمدی فشارکی

پژوهشگر:

فاطمه السادات خوبشانی

مهرماه 1388

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی  
خانم فاطمه سادات خبوشانی

تحت عنوان

سیمای زرتشت، مانی و مزدک در متون نظم فارسی تا پایان قرن ششم هجری

در تاریخ ۸۸/۷/۲۵ توسط هیات داوران بررسی و با درجه نامزدی به تصویب رسید.

امضاء  
امضاء  
امضاء  
امضاء

- |                             |                        |                        |
|-----------------------------|------------------------|------------------------|
| ۱- استاد راهنمای پایان نامه | دکتر سید مرتضی حاشمی   | با مرتبه علمی استادیار |
| ۲- استاد مشاور پایان نامه   | دکتر محسن محمدی فشارکی | با مرتبه علمی استادیار |
| ۳- استاد داور داخل گروه     | دکتر علی اصغر باباصغری | با مرتبه علمی استادیار |
| ۴- استاد داور خارج از گروه  | دکتر احمدرضا پلمه‌ها   | با مرتبه علمی استادیار |

اعضای مدیر گروه

## چکیده:

داستانهای باستانی و مضامینی که مربوط به دوران پیش از اسلام هستند، یکی از منابع مهمی است که تأثیر آن در شعر تمام شاعران، به چشم می خورد و شاعران گاه و بیگاه در لابه لای اشعارشان این مضامین را در خدمت بیان هرچه بهتر اندیشه های خویش به کار گرفته اند.

از جمله مضامینی که در آثار منظوم فارسی به نحو چشمگیری منعکس شده است، داستان زردشت و ظهور مانی و مزدک است. این سه شخصیت برجسته و تاریخی، که پیام آور سه آئین بزرگ و مهم بودند، بازتاب فراوانی در ادبیات فارسی بر جای گذاشته اند و همین امر سبب گردیده تا مضامین بسیاری مربوط به این سه آئین در ادبیات ایجاد گردد. مضامینی که با آثار نظم و نثر فارسی گره و پیوندی عمیق خورده است. همین امر، ضرورت پرداختن به بررسی و پژوهشی را در رابطه با این نفوذ و تأثیر، آشکارتر می سازد.

اهدافی که در این رساله مدنظر قرار گرفته اند یکی بررسی دیدگاه شاعران و شناخت سیمایی است که از این بزرگان در ادبیات فارسی ارائه گردیده است. هدف دیگر ترسیم چهره ادبی این بزرگان و مقایسه ای میان شخصیت تاریخی و داستانی این شخصیت ها در آثار منظوم فارسی است.

**کلید واژه ها:** زردشت، مانی، مزدک، متون نظم فارسی.



صفحه	عنوان
38	9-1-2-1- انوری
39	10-1-2-1- خاقانی
41	11-1-2-1- نظامی
44	2-2-1- دین بهی
44	1-2-2-1- دقیقی
45	2-2-2-1- فردوسی
46	3-2-1- گبر
46	1-3-2-1- فردوسی
47	2-3-2-1- عنصری
48	3-3-2-1- ناصر خسرو
49	4-3-2-1- مسعود سعد سلمان
49	5-3-2-1- ابوالفرج رونی
49	6-3-2-1- سنایی
52	7-3-2-1- انوری
53	8-3-3-1- خاقانی
54	9-3-2-1- نظامی
55	4-2-1- مجوس
55	1-4-2-1- مسعود سعد سلمان
55	2-4-2-1- خاقانی
56	3-4-2-1- نظامی
57	5-2-1- اوستا، زند و پازند
57	1-5-2-1- دقیقی
59	2-5-2-1- فردوسی
64	3-5-2-1- فرخی سیستانی
65	4-5-2-1- قطران تبریزی

صفحه	عنوان
65.....	5-5-2-1- ناصر خسرو
66.....	6-5-2-1- امیرمعزی
66.....	7-5-2-1- سنایی
66.....	8-5-2-1- انوری
67.....	9-5-2-1- خاقانی
68.....	10-5-2-1- نظامی
69.....	6-2-1- زندباف
70.....	1-6-2-1- منوچهری
70.....	2-6-2-1- قطران تبریزی
70.....	3-6-2-1- مسعودسعد سلمان
70.....	4-6-2-1- نظامی
71.....	7-2-1- زندواف
71.....	1-7-2-1- فرخی سیستانی
71.....	2-7-2-1- عنصری
72.....	3-7-2-1- منوچهری
72.....	4-7-2-1- امیرمعزی
72.....	8-2-1- زندخوان
73.....	1-8-2-1- فرخی سیستانی
73.....	2-8-2-1- منوچهری
73.....	3-8-2-1- خاقانی
73.....	4-8-2-1- نظامی
74.....	9-2-1- زتار
74.....	1-9-2-1- فردوسی
74.....	2-9-2-1- امیرمعزی
74.....	3-9-2-1- خاقانی



صفحه	عنوان
75	4-9-2-1- سنایی
75	10-2-1- جشن سده
76	1-10-2-1- فردوسی
76	2-10-2-1- فرخی سیستانی
76	3-10-2-1- قطران
76	4-10-2-1- منوچهری
76	11-2-1- مهرگان
77	1-11-2-1- فردوسی
77	2-11-2-1- فرخی
77	3-11-2-1- قطران
77	4-11-2-1- عنصری
78	5-11-2-1- منوچهری
78	6-11-2-1- امیر معزی
78	7-11-2-1- مسعود سعد سلمان
78	8-11-2-1- ابوالفرج رونی
79	9-11-2-1- انوری
79	12-2-1- بهمنجنه
79	1-12-2-1- فرخی
79	2-12-2-1- منوچهری
80	3-12-2-1- انوری
80	13-2-1- آتشکده
80	1-13-2-1- دقیقی
80	2-13-2-1- مسعود سعد
81	3-13-2-1- نظامی
81	14-2-1- اهریمن

عنوان	صفحه
1-14-2-1- عنصری .....	81
2-14-2-1- امیر معزی .....	81
3-14-2-1- مسعود سعد .....	81
4-14-2-1- خاقانی .....	82
5-14-2-1- سنایی .....	82
نتیجه گیری .....	83

### فصل دوم: مانی

1-2- مانی و آیین مانوی .....	85
1-1-2- نام مانی .....	85
2-1-2- سال ولادت و زادگاه مانی .....	86
3-1-2- پدر و مادر مانی .....	86
4-1-2- ظهور ملک بر مانی .....	87
5-1-2- مسافرت مانی برای تبلیغ دین خود و اعلان رسالت .....	87
6-1-2- پایان کار مانی .....	88
7-1-2- عقاید مانی .....	89
8-1-2- مراتب مانویان .....	90
9-1-2- مناسک دینی مانویان .....	91
10-1-2- آثار مانی .....	91
11-1-2- سرچشمه‌دین مانی .....	92
12-1-2- نظر مانی درباب پیامبری خود و ادیان دیگر .....	94
13-1-2- سیر مانویت در مشرق ( ترکستان چین ) .....	94
14-1-2- مانویان و زنادقه .....	95
15-1-2- ارژنگ ( انگلیون ) .....	96
2-2- سیمای مانی در ادبیات فارسی .....	97

صفحه	عنوان
97.....	1-2-2- مانى
97.....	1-1-2-2- فردوسى
100.....	2-1-2-2- فرخى سيستانى
102.....	3-1-2-2- منوچهرى
102.....	4-1-2-2- ناصر خسرو
105.....	5-1-2-2- مسعود سعد سلمان
110.....	6-1-2-2- امير معزى
113.....	7-1-2-2- سنابى
115.....	8-1-2-2- انورى
116.....	9-1-2-2- خاقانى
117.....	10-1-2-2- نظامى
121.....	2-2-2- ارژنگ
121.....	1-2-2-2- فردوسى
122.....	2-2-2-2- فرخى سيستانى
124.....	3-2-2-2- منوچهرى
124.....	4-2-2-2- ناصر خسرو
126.....	5-2-2-2- مسعود سعد سلمان
127.....	6-2-2-2- امير معزى
128.....	7-2-2-2- انورى
128.....	8-2-2-2- خاقانى
129.....	9-2-2-2- نظامى
131.....	3-2-2- انگليون
131.....	1-3-2-2- امير معزى
131.....	2-3-2-2- سنابى
132.....	نتيجه گيرى

## فصل سوم: مزدک

134.....	1-3- مزدک و آیین مزدکی
134.....	1-1-3- نام و نسب و زادگاه مزدک
.....	
135.....	2-1-3- ظهور مزدک
136.....	3-1-3- عقاید مزدک
138.....	4-1-3- پایان کار مزدک
139.....	2-3- سیمای مزدک در ادبیات فارسی
139.....	1-2-3- مزدک
139.....	1-1-2-3- فردوسی
139.....	2-1-2-3- ابوالفرج رونی
147.....	3-1-2-3- خاقانی
147.....	نتیجه گیری
151.....	نتیجه گیری پایانی
153.....	فهرست منابع (کتابها)
156.....	فهرست منابع (مجلات فارسی)

## پیشگفتار:

از دیرباز موضوعاتی که مربوط به ایران باستان و فرهنگ و تمدن کشورمان باشد همواره مورد توجه و اقبال همگان بوده است. ظاهراً بیان بی‌پیرایه حقیقت، هرچند هم مانند آفتاب روشن و تابان باشد، جذبه و کششی برای آدمیان ندارد در حالیکه افسانه‌ها که طبیعتاً با چاشنی باطل و دروغ آمیخته شده اند علاقه‌مندان فراوانی دارند. همین نیاز به افسانه که در نهاد بشری وجود دارد سبب می‌شود که مباحث و موضوعاتی که درحیطه فرهنگ و تمدن باستانی کشورمان قرار می‌گیرد، از جذابیت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد؛ زیرا همانطور که می‌دانیم این دسته مباحث عموماً در هاله‌ای از ابهامات و افسانه‌ها قرار گرفته‌اند. همین جذابیت، انگیزه تألیف آثار متعددی در این زمینه شده است. این مسئله به خارج از مرزهای کشورمان نیز رسوخ کرده و حتی نویسندگان و پژوهشگران غیر ایرانی قلمفرسایی‌های فراوانی در این زمینه کرده‌اند.

از جمله ناموران برجسته ایرانی که در مورد زندگی و آیین آنها تحقیقات و پژوهش‌های بی‌شماری انجام گرفته، "زردشت"، "مانی" و "مزدک" هستند. این سه شخصیت بزرگ، با وجود تحولاتی که در دوران خویش ایجاد کردند و تأثیر شگرفی که تا قرن‌ها بعد از حیات خود نه تنها بر دلهای ایرانی‌ان، بلکه بر بخش وسیعی از جهان بر جای گذاشتند، ابعاد مختلف زندگی، سرگذشت و تعالیشان‌انگونه که باید و شاید روشن و آشکار نیست؛ سه شخصیتی که هرکدام به نوبه خود در روزگار تاریک و پر از ظلم و بی‌داد دوران خویش پیام آور پاک‌ی و آبادانی، صلح و آشتی و عدالت و برابری بوده‌اند.

زنده کردن خاطرات مرده اینان، این حسن را نیز دارد که به ما ایرانیان یادآور می‌شود که دارای پیشینه فرهنگی و معنوی کهن، غنی و اصیلی هستیم.

سه آیین بزرگ در ادوار پیش از اسلام در این سرزمین ایجاد شده که در تکوین اندیشه‌های مذهبی امروزی از هر یک نشانه‌هایی برجاست و میلیون‌ها نفر را تحت نفوذ و سلطه معنوی خود قرار داده است. نخست دیانت کهن زرتشتی که مولود سرزمین ایران است و در این آب و خاک نشو و نما یافته و تا قرون متمادی آتش عشق به آن، در سینه پیروان راستینش روشن و برپا بوده است. آیینی که با آموزه‌های اخلاقی همچون دوری از خشونت و تعصب خشک، ترغیب به آبادانی و پرهیز از ویرانی و احترام و بزرگداشت عناصر طبیعت در ردیف ارجمندترین و پسندیده‌ترین عقیده‌های مذهبی جهان است. دوم آیین مانی است که با اعتقاد بر پایه تثویت تأسیس شده و تأثیر آن در بیشتر ادیان جهان کم و بیش مشهود است. سوم دین مزدک که چون تاریخ آن به دست دشمنان تدوین شده نمی‌توان تصویر روشن از آن به دست داد ولی آنچه مسلم است این است که مزدک یکی از پیشوایانی بود که در دفاع از حقوق ستمدیدگان و بینوایان، عدالت و مساوات را شعار خویش ساخته بود.

با توجه به اینکه ادبیات فارسی نیز مانند ادبیات هر کشوری، همچون آینه‌ای سیمای تاریخی و فرهنگی و اجتماعی این سرزمین را در خود نمایان می‌سازد، پیشینه کهن و تاریخی سرزمین پارس به نحوی بارز در ادبیات فارسی انعکاس یافته است؛ به گونه‌ای که در متون نظم و نثر فارسی بعد از اسلام ذکر نام شخصیت‌ها، حوادث و آداب و رسوم کهن متعلق به دوران پیش از اسلام مکرر به چشم می‌خورد.

در آثار منظوم فارسی بارها از نام بزرگان و اندیشمندان این سرزمین همچون " زردشت "، " مانی " و " مزدک " یاد شده و به مناسبت هایی به حوادث زندگی و خصوصیات آیین و اندیشه این شخصیت ها، اشاره شده و بر اساس سخنان و ویژگی های واقعی و یا منسوب به آنان مطالبی بیان شده و مضامین ادبی پرداخته شده است.

نظر به اهمیت اشخاص مذکور و تأثیری که حوادث مربوط به زندگی آنها در ادب فارسی بعد از اسلام بر جای گذاشته، ضروری است که بررسی و پژوهشی در این زمینه صورت پذیرد و مجموعه دیدگاهها و سخنان شعرا در مورد اینان و آیین شان به نحوی منسجم گرد آوری و تدوین گردد. از طرفی دیگر، علاقه و اشتیاق وافر پژوهشگر نسبت به تاریخ، بزرگان و آیین ایران باستان و پیوند آنها با ادبیات فارسی، مشوق او گشت تا مضامینی را که در مورد این سه تن و تجلیات ادبی آیین آنها، در آثار منظوم فارسی پرداخته شده است، گردآوری نماید. حیطه این پژوهش از ابتدای ادب فارسی ( قرن سوم و چهارم ) تا پایان قرن ششم هجری، مبتنی بر متون منظوم فارسی است. در این میان به ویژه آثار سرابندگانی چون دقیقی، فردوسی، فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری، قطران تبریزی، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، امیرمعزی، سنایی، انوری، خاقانی و نظامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از جمله اهدافی که در رساله حاضر، مدنظر قرار گرفته شده، عبارتند از:

۱- جمع آوری و تدوین دیدگاههای شاعران درباره زردشت، مانی و مزدک.

۲- تفکیک میان شخصیت تاریخی و افسانه ای و داستانی آنها در متون نظم فارسی.

۳- تعیین جایگاه و میزان اهمیت هریک از این شخصیتها در ادب فارسی.

این رساله شامل سه فصل می شود که فصل اول به زردشت، فصل دوم به مانی و فصل سوم به مزدک اختصاص دارد؛ از آنجا که یکی از اهداف مورد نظر در این رساله، مقایسه ای میان شخصیت تاریخی و افسانه ای اشخاص مذکور، در متون نظم فارسی است، در آغاز هر فصل، ابتدا زندگی تاریخی این اشخاص به نگارش درآمده است تا زمینه برای اهداف بعدی فراهم آید. هر چند همانگونه که گفته شد آثار فراوانی در مورد زندگی و تعلیم این شخصیت ها وجود دارد ولی آوردن گزیده مجلد این مباحث، برای خوانندگان این رساله قطعاً مفید خواهد بود و تا حد زیادی آنان را از مراجعه به کتب تاریخی بی نیاز خواهد ساخت. پس از گردآوری مطالب مورد نیاز درباره زندگی تاریخی و عقاید و مبانی آیین افراد مذکور، بازتاب آن در آثار منظوم فارسی تا پایان قرن ششم هجری قمری مورد بررسی قرار گرفته است. در ذیل هر شاهد شعری، تحلیلی مختصر، مرتبط با موضوع رساله، ارائه گردیده است. لازم به ذکر است اشعاری که از سنایی نقل شده، متعلق به دو اثر وی ( دیوان سنایی و حدیقه الحقیقه ) است. بر همین اساس در ذیل هر کدام از اشعاری که مربوط به دیوان سنایی است، به صورت « سنایی ۱ » و آن دسته از اشعاری که مربوط به حدیقه الحقیقه است، به صورت « سنایی ۲ » مشخص گردیده است. در پایان هر فصل نیز یک نتیجه گیری نهایی گنجانده شده است.

در این مقام وظیفه خود می دانم که از همکاریها و مساعدتهای بی دریغ استادان محترم، جناب آقای دکتر مرتضی هاشمی و آقای دکتر محمدی که در تدوین این پایان نامه مرا یاری فرمودند صمیمانه قدردانی کنم و از خداوند منان، عنایت و توفیق روزافزون برای ایشان مسألت نمایم.



### ۱-۱-۲- زمان و زادگاه زردشت :

مسأله محل تولد زردشت با آنهمه مطالبی که در باب آن آمده هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. بعضی کناره رود ارس و برخی کناره دریاچه چیچست (ارومیه) و گروهی محل تولد او را در شمال شرقی ایران یعنی خوارزم و در ساحل جنوبی رود سیحون می دانند.

تعیین زمان زردشت مشکلتراست و اختلافات و تناقضات بیشتر. با کمک مدارک ناچیز و مختصری که وجود دارد، «آخرین نظر دانشمندان محقق این است که زمان زندگی زرتشت از 1100 سال پیش از میلاد مسیح پائین تر نیست». (معین، 1326: 69)

### ۱-۱-۳- احوال زردشت :

زردشت آموزش های نخستین را از پدر و دیگر دانشمندان و بزرگان شهر خود آموخت. آورده اند که وی ذهنی تیز و روحیه ای کنجکاو داشت و در 15 سالگی همه علوم زمان خود را فراگرفته بود. پس از پانزده سال بررسی و تفکر درباره آفرینش و تحقیق و تفحص در آنچه از استادان خویش آموخته بود درک و بینش زردشت به آنجا رسید که بداند اعتقاد به «خدایان پنداری» نادرست و تنها یک آفریننده وجود دارد که همه هستی ها از اوست. از طرف دیگر زردشت خود قبل از پیغمبری دارای مقام مذهبی بود و در آداب و سنن قدیمی آریائی سمت قربانی کردن حیوانات را داشت. شاید همین احاطه و آگاهی او بدان مذهب قدیمی او را به نقاط ضعف و نارسائی های آن آگاه ساخت. پیش از زردشت مغان پاسداران دین و پیروان خدایان پنداری بودند. سرانجام زردشت در 30 سالگی به پیامبری برگزیده شد. وی از لحاظ اجتماعی بدون قدرت و پشتوانه بود ولی به خوبی با هدفش آشنا بود. به همین منظور پس از انتخاب به پیامبری و دریافت پیام اهورامزدا با تلاش و کوشش فراوان دست به کار تبلیغ زد. البته این کار او با دشمنی شاهزادگان و روحانیون زمان او (مغان) که منافع خود را در خطر می دیدند مواجه گردید. مغان از دریافت فدیه و قربانی برای خدایان و از باور مردم به خرافات بهره می بردند. شاهزادگان نیز با نگاه داشتن مردم در تاریکی نادانی و جهل می توانستند بی دردسر فرمانروایی کنند. ولی با وجود مخالفت های فراوانی که از جانب شاهزادگان و قدرتمندان ستمگر و رؤسای مذهب قدیمی به عمل آمد زردشت برای پیش برد عقاید خویش لحظه ای از پای ننشست و همچنان به تلاش در راه تبلیغ دین خود ادامه داد تا بتواند وجود و حقیقت خدای یگانه، اهورامزدا را به مردم روزگار خود بقبولاند. زردشت که روح و فکرش در تسخیر



خدای واحد، اهورامزدا بود به ستایش نام او پرداخت و خدای یگانه (اهورا) را دانا (مزدا) نامید که آسمان و زمین را خلق کرده است. ناگزیر زردشت در سن 42 سالگی تصمیم به مهاجرت گرفت و با پیروان وفادارش به باکتريا (بلخ) در شرق ایران رفت و در آن سرزمین توانست پیروان فراوانی پیدا کند. از جمله کی گشتاسب پادشاه بلخ و همسرش هوتوسا دین زردشت را پذیرفتند و حامی او شدند. گویند زردشت سه بار ازدواج می کند. زن سوم او "هووی" یکی از پیروان او و دختر فرשוستر بود و جاماسپ وزیر خردمند گشتاسب داماد زردشت و شوهر دختر زردشت پورچیست شد و رابطه دو خاندان با این وصلتها استوارتر گردید. (ر.ک. بویس، 1374: 261)

چند سال پس از گرویدن گشتاسب به دین زردشت ارجاسپ پادشاه توران زمین (ترکستان و چین) فرستاده ای به دربار گشتاسب فرستاده از او می خواهد دین زردشت را رها سازد و پای بند دین اجدادی باشد. گشتاسب با تحقیر به ارجاسپ جواب رد داد و خود را آماده جنگ کرد، در نتیجه جنگهای طولانی در گرفت. ارجاسپ با لشکری انبوه به ایران حمله کرد. ایرانیان هم لشکر نسبتاً بزرگی به فرماندهی اسفندیار پسر دلاور گشتاسب تدارک دیده به کمک زیر عموی اسفندیار وارد کارزار گردیدند. پس از کشته شدن زیر برادر شجاع گشتاسب توسط دشمن، اسفندیار ارتش ارجاسپ را در هم شکست و ارجاسپ ناگزیر به فرار شده خواستار صلح گردید. اما اسفندیار دستگیر و زندانی شد و ارجاسپ با آگاهی یافتن از این واقعه دوباره به ایران حمله برد. در این جنگ لهراسب پدر گشتاسب کشته شد و زردشت نیز هنگامیکه در آتشکده ای مشغول عبادت بود به دست یک تورانی به شهادت رسید. (ر.ک. مهر، 1374: 37 و 38) و (رضایی، 1368: 140 و 141)

#### ۱-۱-۴- اوستا :

مجموعه متون مذهبی زرتشتیان امروز اوستا Avesta خوانده می شود. این کلمه در ادبیات فارسی پس از اسلام، با اشکال و صورتهای گوناگون مورد استفاده قرار گرفته، چون وستا، ابستا، است، استا، آبستا، اویستا، افستا و گونه هایی دیگر، اما صورت رایج آن اوستا می باشد. درباره معنی این کلمه دانشمندان توافق کلی ندارند برخی آن را به معنی "پناه" دانسته و عده ای به مفهوم "معرفت و دانش" پنداشته اند و دیگران عقایدی دیگر ابراز کرده اند. اما آنچه که تقریباً مورد اتفاق است آن است که کلمه اوستا به معنی اساس، بنیان و متن اصلی است.

«در زمان ساسانیان این واژه را اوستاع تلفظ می کردند. کهنه ترین صورت این نام اوستاک است. این صورت فارسی میانه است. همانگونه که گفتیم معنی اوستا به معنای پایه، بن و بنیان است و مقصود از آن پایه های اصلی

متن هایی که به زبان ایران باستان (اوستائی) نوشته شده، است و هسته اصلی دستگاه دینی معتبری را می سازد که به هنگام نیایش های دینی خوانده می شده است». (نیبرگ، 1383: 32)

این کتاب که در واقع پیامها و اصول تعلیمات زردشت است و از زمان ساسانیان برجای مانده، به صورت مجموعه ای است از سرودهای آسمانی تا متن هایی که بعدها افزوده اند یا تغییرات فاحشی که بر روی متنهای اصیل داده شده است. این مجموعه تنها دارای موضوعات دینی نبود بلکه درباره قانونگذاری، مراسم دینی و شرایع دین هم بود. بخش عمده نوشته هائی که امروزه ما آن را اوستا می نامیم در زمان ساسانیان به 21 نسک و یا به "سه بهر" تقسیم می شد. اما آنچه در این زمان از اوستا باقی است شامل پنج کتاب یا جزوه می باشد که عبارتند از:

« 1- یسنا: که مضمون آن نیایشهایی است در ستایش آفریدگار و آفریدگانش. این بخش دارای 72 فصل یا هات است از این 72 فصل 17 هات آن معروف به "گاهاها" یا "گاتها" می باشد که اکثر محققان این قسمت را ناب ترین و اصیل ترین بخش اوستا می دانند.

2- ویسپرد: مجموعه ای از ملحقات یسناست که در مراسم دینی همراه با یسنا خوانده می شود.

3- ونیداد حاوی دستورهایی پیرامون پرهیز و پاکی مردار و چند پاره افسانه که در متن ونیداد گنجانده شده است.

4- یشت ها: موضوع آن عبارت است از سرود و ستایش پروردگار و نیایش امشاسپندان و ایزدان.

5- خرده اوستا: که از برای نماز و ادعیه اوقات روز و ایام متبرکه و اعیاد مذهبی و غیره ترتیب داده شده است». (عبداللهی، 1369: 67 و 68)

مهمترین و اصیلترین قسمت اوستا گات ها یا سرودهاست که در قسمت "یسنا" جای داده شده اند. گات ها یا سرودها را از شخص زردشت می دانند البته میان محققان در این باب اختلاف است، چون همه سرودها را از شخص زردشت دانسته و برخی را از نخستین شاگردان وی می دانند.

دین زرتشتی در ایران بالغ بر ده قرن رونق و رواجی کامل داشت و از ایران به ممالک مجاور نیز سرایت کرد. در این دوران کتاب اوستا در قصر سلطنتی استخر (پرسپولیس) نگاهداشته می شده و متن آن را بر روی یکصد و سی چرم گاو نوشته بودند. در یورش اسکندر در 330 پیش از میلاد این نسخه در آتش سوزی تخت جمشید از میان رفت. پس از آن زمان یک دوره ایستایی و انحطاط برای دین زرتشتی پیش آمد که معاصر با زمان اشکانیان است. اگرچه آنها نیز غالباً پیروان مزدیسنی بوده اند ولی گویا در عهد ایشان آن دین رونقی نداشته و آئین میترا (مهرپرستی) معمول بوده است. اما در دوران سلطنت ساسانیان در 266 میلادی اردشیر جانی تازه به قالب افسرده

دین بهی دمید و کتابهای دینی را از گوشه و کنار جمع آوری کرده و اوستا را به پهلوی ترجمه کرد و آن را "زند" نامید و از آن پس کتاب به "زند و اوستا" معروف شد و ترجمه و شرح آن را "پازند" گفته اند. (ر.ک. حکمت، 1371: 67)

#### ۱-۱-۵- امشاسپندان :

امشاسپندان به معنای "بی مرگان مقدس" عبارتند از هفت وجود یا جلوه خدا که خدا آنان را بر حسب اراده خود آفریده است. امشاسپندان هم به معنی صفات الهی و هم فرشتگان مقرب اهورامزدا گرفته شده و با فرشتگانی چون جبرئیل و میکائیل و غیره در اسلام تشبیه گردیده است. امشاسپندان هفت تن اند و عبارتند از: 1- سپنتا مینو (سپندمینو)، 2- وُهومَنَه (بهمن)، 3- اَشَه (اردیبهشت)، 4- خَشْتَرَه وَیرَه (شهریور)، 5- اَرْمیتی (اسپندارمد)، 6- هورواتات (خرداد)، و 7- اَمَرِتات (مرداد) به ترتیب به معنی روح نیکوکار، اندیشه نیک، راستی، شهریاری مطلوب، اخلاص، کمال و بی مرگی. مشخصه اصلی اهورامزدا "روح نیکوکار" یا "آفریننده" است. این مشخصه منحصرأ به خدا تعلق دارد اما جلوه های دیگر تجلیاتی از خدا هستند که بواسطه این جلوه ها خدا به انسان و انسان به خدا نزدیک می شود. هریک از امشاسپندان بخشی از آفرینش را حمایت می کنند. بهمین حیوانات را، اردیبهشت آتش را، شهریور فلزات را، اسپندارمد زمین را، مرداد گیاهان را و خرداد آب را حمایت می کند. انسان تحت حمایت خود اهورامزداست. ضمناً هفت سین نوروز یادگار هفت امشاسپند است و هفت وادی عشق عرفا نیز اشاره به امشاسپندان دارد. اساساً عِلت مقدّس شمردن عدد هفت در نزد ایرانیان باستان به خاطر امشاسپندان است. (ر.ک. مهرین، 1362: 36 و 37) و (هینلر، 1373: 70 و 71)

#### ۱-۱-۶- ایزدان یا یَزْتَه ها :

یکی دیگر از موجودات آسمانی و پرستیدنی در دین زرتشتی یَزْتَه ها (Yazata) هستند. بعد از اهورامزدا و امشاسپندان ایزدان قرار دارند و در واقع از لحاظ رتبه در ردهٔ سوّم هستند. با وجودیکه شمار ایزدان در دین زرتشتی بسیار فراوان است ولی بعضی بر دیگران برتری دارند که از مهمترین آنها می توان مهر (میشَرَه) و ناهید (آناهیتا) را نام برد.

اگر دین زرتشتی را دینی معتقد به خدایان و ایزدان بی شمار به حساب آوریم به خطا رفته ایم. در اعتقاد زرتشتیان اورمزد چنان والامقام و بلندمرتبه است که انسان نباید با تظلم های کوچک، توبه ها و پیشکش های

خود خاطر او را پریشان سازد. در چنین مواقعی مردم نگهبانان مخصوص خود را انتخاب کرده به او تقرّب می جویند. ارتباط این گروه ایزدان با امور دنیوی بیشتر است و هریک در سطح و جهت خاصی اورمزد را یاری می نمایند. البته این بدان معنی نیست که زرتشتیان قدرت و عشق و فرمانروائی اهورامزدا را نستانند. زرتشتیان به یک خالق واحد که نیکی و دانائی مطلق است عقیده دارند که انسان می تواند با بهره داشتن از جلوه های مختلف شخصیت او در وجود او شریک باشد. اراده او را در جزئیات امور تعدادی از "فرشتگان" به مرحله اجرا درمی آوردند که خود مورد عشق و علاقه مؤمنانند، اگرچه هیچکدام از آنان هرگز نمی توانند جای سرور دانا ( اهورامزدا) را بگیرند. (ر.ک. هینلر، 1373: 78 و 79)

#### ۱-۱-۷- توحید و یکتاپرستی در آیین زردشت :

زردشت در گاتها خداوند را با نامهای اهورا، مزدا و یا ترکیبی از آنها و بیشتر به نام اهورامزدا و یا مزدا اهورا خوانده است از این رو دین او را مزدیسنی یعنی دین مزدا نام داده اند. اهورا به معنی هستی بخش ، سرور دانا و داور هستی است. بعضی از نویسندگان یا از روی جهالت و یا از روی غرض ورزی آیین مزدیسنی را دوگانه پرستی معرفی کرده اند. مثلاً نیبرگ در کتاب کیشهای ایران باستان اظهار عقیده می کند که در آئین زرتشتی دو خدا وجود دارد خدای روز که اهورامزداست و خدای شب که نامش اهریمن است. حال آنکه آنچه نیبرگ آنها را دو خدا می خواند جلوه دو نیرویی بیش نیست که فقط در زندگی خاکی ما معنایی در بردارند و ضدّ همدند و این دو نیرو سپنتامینو (Sepanta Mainyu) و انگره مینو (Angra Mainyu) است. (ر.ک. مهرین، 1362: 34)

زردشت هرگز از ثنویت مطلق می که در آن دو خدا یکی خوب و یکی بد جدا از هم وجود داشته باشند، سخنی به میان نیاورده بلکه اهورامزدا را آفریننده همه چیز شمرده است. تنها زمانی می توان یک مذهب را ثنوی خواند که هردو اصل خوبی و بدی با شرایط و امکانات مساوی روبروی یکدیگر قرار گرفته و آن دو نیرو از تمام امکانات ممکنه به حد مساوی برخوردار بوده و در شرایط یکسانی به کار پرداخته باشند با توجه به اینکه نیروی مافوقی بر آن دو برتری و نفوذ نداشته باشد. اما در اوستا تعارض و ستیز نیکی با بدی، خیر با شر، مثبت و منفی در آئین زرتشت در تمام جهان مشهور است و مسأله به این روشنی است که آئین زرتشتی یک سیستم دوگانه پرستی نیست. در گفتار زردشت هرگز فاعل شری ( اهریمن ) در مقابل اهورامزدا قرار ندارد. هرچه هست اوست (اهورامزدا) و زشتی های جهان و نیروهای شرّ (انگره مینو) هیچگاه رقیب او به شمار نمی رود.